



وضو

از دیدگاه مذاهب اسلامی

حمید حسینی

دانش‌آموخته فقه امامیه ورودی ۷۵ و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج*

چکیده

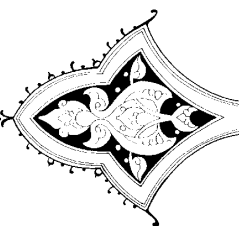
از جمله اختلاف فقهی بین مذاهب اسلامی، واجبات و مواضع وضو، همچنین کیفیت شستن اعضاء است. البته اختلاف اصلی در نحوه شستن یا مسح پاها می‌باشد که شیعه قائل به مسح پاها و اهل سنت نظر به شستن پاها دارند. البته اقوال مختلفی در این مورد بیان شده است: نظر به مسح پاها، نظر به شستن پاها، نظر به جمع بین مسح و شستن پاها و تخییر بین مسح و شستن پاها. با عنایت به اینکه نص صریح قرآن (آیه ۶ سوره مائده) تأکید بر انجام وضو بدون هیچ‌گونه اختلافی دارد، لکن فقهای مذاهب اسلامی از روی رأی اجتهادی و تفسیری خود و چگونگی قرائت به نصب و جرّ لفظ «أرجلكم» در آیه مذکور، همچنین براساس روایات و احادیثی که نقل نموده‌اند، بنای اختلاف را بنیان نهاده‌اند. اختلاف دیگری نیز که تقریباً، اختلاف اساسی می‌باشد، در خصوص نحوه شستن دستهاست که اهل سنت قائل به شستن دستها از سر انگشتان به طرف مرفق می‌باشند البته آن را افضل می‌دانند و امامیه نظر بر شستن دستها از مرفق به سمت انگشتان می‌باشند که این مسئله نیز به آرای فقهی فقهاء و نظر اجتهادی و استنباطی آنها برمی‌گردد. البته شایان ذکر است موارد اشتراکی بیش از اختلاف بوده و در واقع اختلاف در نص قرآن کریم نبوده و در نظر اجتهادی، رأی تفسیری، روایات نقل شده، همچنین چگونگی قرائت آیه ۶ سوره مائده اختلافات موجود پدید آمده است.

کلیدواژه‌ها: مذاهب، طهارت، فرائض، وضو، غسل، مسح، مرفق، کعبین.

مقدمه

سر لوحه خود قرار داده و با بیان نظریه فقهی خویش با ادله و مستندات موجود مذهب خود، در صدد رفع اختلافات و رسیدن به نقطه وحدت هستند. در تحقق وضو، شستن صورت از رستگاه موی سر تا چانه، سپس شستن دو دست از آرنج تا نوک انگشتان؛ نخست دست راست و سپس دست چپ، آن‌گاه مسح قسمت پیشین سر و سرانجام، مسح پاها از نوک انگشتان تا برآمدگی

پژوهشگر در این مجموعه مسئله وضو را از جنبه فقهی مورد بررسی قرار داده و دیدگاه مذاهب اسلامی و علمای اهل سنت و شیعه را به صورت تطبیقی و با بیان نقاط اختلاف و اشتراک مطرح نموده است. مسلمانان با عقاید و اصول مشترک، با تمسک به آیه کریمه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» نقاط مشترک را



استخوان پا لازم است. در مورد قول اخیر قول به مسح، قول امامیه و در مذاهب اهل سنت قول مشهور شستن پاها است. (۱) در نهایت نکته اساسی و مهمی که باید متذکر شد مسئله پرهیز از اختلاف و تفرقه و اتحاد و همبستگی مسلمین است. خداوند در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۲)

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (۳)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۴)

نتیجه‌ای که از آیات فوق می‌توان گرفت این است که یکی از عوامل مهم عظمت، قدرت، سیادت، پیروزی و موفقیت هر گروه، ملت و جامعه، وحدت، اتحاد و همبستگی کامل آنهاست. به طوری که جز حرمت، تعاون و رحمت هیچ‌گونه اختلاف، نزاع و کشمکش عقیدتی، لفظی و عملی در میان آنها وجود نداشته باشد. قرآن مجید این رمز عظمت و پیروزی را برای مسلمانان مکرر یادآوری می‌کند و بر آن تأکید و اصرار می‌ورزد که آیات فوق نمونه‌ای از آنهاست. آیات فوق ضمن فرمان به وحدت مسلمین و تأکید بر آن، خاطر نشان می‌سازد که زمینه وحدت و یگانگی و عدم تفرقه در میان مسلمانان کاملاً فراهم است؛ زیرا همگان یک خدا را پرستش می‌کنند و از یک خدا اطاعت و از یک پیامبر پیروی می‌کنند و با یک رهبر هدایت و رهبری می‌شوند، دین و آئین واحدی دارند، همگان به یک ریسمان متصلند و آن هم ریسمان اسلام، قرآن، رهبری، و ایمان به خدای واحد بوده و جملگی برادرند؛ برادر همدل، همزبان، همراه و هم‌مسلك.

معنای لغوی و اصطلاحی وضو

الف - وضو با ضمه واو، اسم مصدر است و مصدر آن «تَوَضَّؤٌ» بر وزن تَعَلَّمَ است.

ب - وضو با فتحه واو، آبی است که با آن وضو گرفته می‌شود.

ج - ریشه لغوی وضو، وَضَاءٌ است که به معنای پاکیزگی از حدث و روشن شدن باطن انسان از تاریکی گناهان می‌باشد.

در فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی در این باره آمده است: (۵)

الوضوء: از وضوء؛ تمیز و زیبا شد. و معنای دیگر آن: آبی که با آن وضو گرفته شده است.

الوضوء: وضو گرفتن، شستن و مسح نمودن اعضای خاص

که شارع معلوم کرده است. مذاهب اسلامی در تعریف معنای لغوی وضو هیچ‌گونه اختلافی ندارند. در اصطلاح فقهی به مجموع شستنها و دست کشیدن (مسحهای) خاصی گفته می‌شود. با بیان مباحث گفته شده، تعریف لغوی و اصطلاحی وضو از نظر مذاهب اسلامی دارای تعریف مشترکی بوده و اختلاف و مغایرت در آن دیده نمی‌شود. وضو در واقع مجموع شستنها و مسح کشیدن می‌باشد با فرض اختلاف کیفی و چگونگی شستشو که جزء مباحث اختلافی در کیفیت وضو است که در بحثهای بعد به این مسائل خواهیم پرداخت. پس در تعریف، کلیت، مشروعیت و وجوب آن هیچ‌گونه اختلافی بین مذاهب اسلامی وجود ندارد.

واجبات (فرائض) وضو

واجبات وضو به طور کلی هفت مورد می‌باشد که البته بین مذاهب اسلامی در مورد بعضی از واجبات هفت‌گانه اختلاف نظر وجود دارد که در ادامه بحث، بررسی خواهد شد و اما واجبات هفت‌گانه به این ترتیب می‌باشد: نیت، شستن صورت، شستن دستها، مسح سر، مسح یا شستن پاها، ترتیب و موالات.

بررسی فقهی مسئله وضو از دیدگاه مذاهب اسلامی

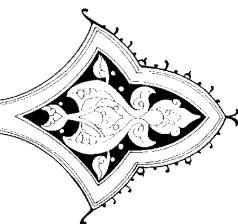
(۱) نیت

نیت در مذاهب خمسسه اولین فرض از فرائض وضو می‌باشد، جز نظر مذهب حنفی که آنها «نیت» را سنت دانسته و از واجبات وضو نمی‌دانند که در جایگاه خود مطرح خواهد شد.

الف) نظر مذهب امامیه

معنای لغوی نیت: عزم بر انجام کاری (یعنی انجام کاری هنگامی که اراده انجام آن را بکند). معنای اصطلاحی نیت: نزد متکلمین اراده کردن فاعل بر انجام فعل همزمان با آن. (۶) و در واقع نیت اراده قلبی بر انجام عملی می‌باشد. (۷)

واجبات وضو نزد امامیه هفت مورد می‌باشد که اولین فرض آن نیت است و منظور امامیه از نیت این است که نیت در وضو واجب است به معنی شرط، یعنی وضو بدون آن واقع نشده و صحیح نمی‌باشد.



ب) نظر مذهب شافعی

از دیدگاه شافعی، فرائض وضو شش مورد است: نیت، شستن صورت، شستن دستها همراه با آرنج، مسح سر، شستن پاها و ترتیب که بدین ترتیب، در نزد شافعی موالات فرض نمی‌باشد. اما به اولین فرض از فرائض یعنی نیت می‌پردازیم.

در نزد شافعی، حقیقت نیت عبارت از اراده و آهنگ انجام کاری به منظور کسب رضای خدا و امتثال اجرای فرمان او است. نیت یک عمل صرفاً قلبی است و زبان در آن دخالتی ندارد و تلفظ به آن دلیل شرعی ندارد. نیت در مذهب شافعی واجب است؛ زیرا وضو عبادت است و عبادت و عادت با نیت از هم جدا می‌شوند.

ج) نظر مذهب حنفی

مذهب حنفی فرائض وضو را چهار چیز می‌داند و آن عبارت است از: شستن صورت، شستن دست تا مرفق، مسح سر و شستن پاها.

پس در واقع نیت را که تمامی مذاهب نظر بر وجوب آن دارند، مذهب حنفی، آن را مستحب می‌داند نه واجب و اولین فرض را شستن صورت می‌داند.

د) نظر مذهب مالکی

در نزد مالکیها فرض به آن امری اطلاق می‌شود که انسان به خاطر انجام آن فعل یا کار اجر داده می‌شود و به خاطر ترک آن فعل عقاب می‌شود.

آنها فرائض وضو را هفت مورد می‌دانند: نیت، شستن صورت، شستن دو دست تا آرنج، مسح سر، شستن دو پا، دلک (کشیدن دست بر اعضاء) و موالات.

نیت آن است که شخص متوضی، نیت طهارت از حدث یا وضو و یا رفع حدث نماید. در واقع همه این موارد، یکی است و دلیل اینکه نیت در وضو واجب است، قول پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که فرموده‌اند: «أَمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» پس از این حدیث استفاده می‌شود که اعمال بدون نیت، عمل به شمار نمی‌آید. پس وضو نیز، عملی از اعمال است که نیت در آن واجب است.

ه) نظر مذهب حنبلی

در نزد حنابله «نیت» در وضو شرط است، به هر تقدیر بجا آوردن آن لازم می‌باشد. همچنین حنابله، تسمیه (گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را در آغاز وضو واجب می‌دانند. (۸) حنابله فرائض وضو را شش مورد می‌دانند: شستن صورت، شستن دستها تا آرنج، مسح سر، شستن پاها، ترتیب و موالات. بنابراین آنها نیت را شرط در وضو می‌دانند نه

واجب.

پس به این ترتیب:

۱. احناف، نیت در وضو را سنت می‌دانند، آنها گفته‌اند طهارت با آب احتیاج به نیت داشته و تیمم احتیاج به نیت ندارد. (۹)

۲. در نزد حنابله «نیت» در وضو شرط است، به هر تقدیر بجا آوردن آن لازم می‌باشد.

۳. گفتن تسمیه (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را حنابله در وضو واجب می‌دانند. (۱۰)

۴. در نزد سایر مذاهب نیت از واجبات وضو می‌باشد.

۲) شستن صورت

شستن صورت نزد تمامی مذاهب اسلامی واجب می‌باشد و در این مورد اتفاق نظر دارند. اختلافی که مذاهب اسلامی در این مورد دارند در کیفیت شستن صورت است.

۱. حنابله مانند مالکیه و امامیه شستن بناگوش را واجب نمی‌دانند بلکه در نزد آنها شستن آنچه که در میان انگشت شصت و میانه قرار دارد واجب است، جز آنکه مالکیه و حنابله مسح بناگوش را واجب می‌دانند.

۲. حد صورت به لحاظ طول از رستنگاه موی سر تا چانه و به لحاظ عرض از بناگوش راست تا بناگوش چپ است، لکن شافعیه شستن زیر چانه را نیز واجب می‌دانند. (۱۱)

۳. مضمضه (شستن داخل دهان) و استنشاق (شستن داخل بینی) نزد حنابله واجب می‌باشد و نزد سایر مذاهب، سنت و مستحب است. (۱۲)

۴. شستن صورت در تمامی مذاهب بالاتفاق واجب است.

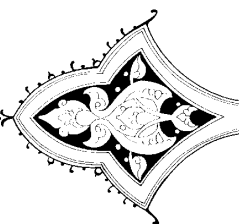
۳) کیفیت شستن دستها

اولین مطلبی که در مسئله وضو و تفاوت‌های آن نزد تشیع و اهل تسنن جلب نظر می‌کند، کیفیت شستن دستهاست؛ امامیه در هنگام شستن از آرنج شروع می‌کنند و به سر انگشتان ختم می‌نمایند، در حالی که اهل تسنن، دستها را به‌طور معکوس می‌شویند، یعنی از سر انگشتان دست شروع می‌کنند و به آرنج پایان می‌دهند.

البته این اختلاف ریشه‌ای نیست. همه فقهای اهل سنت کیفیت شستن دستها را به طریق شیعه صحیح می‌دانند در عبادات برخی از آنان دیده می‌شود که در پاره‌ای از موارد، ابتدا نمودن از سر انگشتان را مستحب دانسته‌اند.

الف) نظر مذهب امامیه

۱. شستن دستها همراه با مراقب واجب است و جمیع فقهای



اهل سنت نیز قائل به آن هستند به جز «زفر» که ایشان شستن مرافق را واجب نمی‌دانند. (۱۳)

۲. دلیل امامیه بر واجب بودن شستن دستها، کتاب، سنت و اجماع می‌باشد.

۳. امامیه به استناد آیه شریفه «وَأَيَّدِيكُمْ إِلَى الْمُرَافِقِ (مائده، ۶)» لفظ «إلى» را به معنی «مع» و غایت می‌دانند و از ائمه علیهم‌السلام ثابت شده است که منظور از «إلى» در آیه شریفه فوق، «مع» می‌باشد و از این طریق درمی‌یابیم که شستن مرافق واجب است. (۱۴) همچنین شستن مرافق مقتضی احتیاط است، همانا کسی که مرافق را همراه دستها بشوید خلاقی نیست که آن وضو صحیح است و اگر همراه با دست شسته نشود دلیل بر صحت آن نیست.

۴. شستن دست از بالا به پایین (از آرنج تا سر انگشتان) برای یکبار واجب می‌باشد.

۵. شستن دستها به صورت معکوس از پایین به بالا نزد امامیه جایز نمی‌باشد مگر نزد سید مرتضی علم‌الهدی و ابن‌ادریس. (۱۵)

۶. شستن دست راست را قبل از دست چپ مطلقاً واجب می‌دانند. (۱۶)

ب) نظر مذهب شافعی

سومین فرض از فرائض وضو نزد شافعی، شستن دستها همراه با مرافق است و نکته‌ای که باید مورد توجه قرار دهیم آن است که حتماً باید آرنج نیز شسته شود و دلیل آن آیه «وَأَيَّدِيكُمْ إِلَى الْمُرَافِقِ (مائده، ۶)»؛ «دستهايتان را همراه با آرنج بشوید» می‌باشد.

«مرافق» جمع «مرفق» بر مفصل بین ساعد و بازو اطلاق می‌شود. «إلى» در آیه مذکور به معنی همراه است؛ یعنی دستها را با آرنجها بشوید.

ج) نظر مذهب حنفی

همان‌طور که گفته شد فرائض وضو نزد حنفیه، چهار فرض می‌باشد که دومین فرض آن شستن دستها همراه با آرنجها (مرافق) است. (۱۷) در این مورد با سایر مذاهب متفق‌القول هستند و در واقع در این مورد اختلافی بین مذاهب خمسّه وجود ندارد و درباره سایر مسائل مربوط به بحث وضو، تقریباً با مذاهب دیگر اختلاف چندانی ندارند.

د) نظر مذهب مالکی

مالکیه نیز همانند سایر مذاهب، شستن دو دست همراه با آرنجها را واجب می‌دانند و آن را سومین فرض از فرائض وضو به‌شمار می‌آورند و دلیل آنها آیه شریفه ۶ سوره مائده می‌باشد.

و دلیل بعدی آنها روایتی صحیح است که از ابوهریره نقل شده است: أَنَّهُ غَسَلَ يَدَيْهِ حَتَّى أَشْرَعَ فِي الْعَضُدِ وَقَالَ: «هَكَذَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَتَوَضَّأُ». (۱۸)

ه) نظر مذهب حنبلی

دیدگاه حنابله در مورد شستن دستها این است که آنها همانند سایر مذاهب شستن دستها همراه با مرافق را واجب دانسته (۱۹) و در سایر موارد بیان شده من جمله سنن وارده در این مورد، هیچ‌گونه اختلافی با مذاهب اربعه نداشته و منحصرأً اختلاف آنها همانند سایر مذاهب چهارگانه با مذهب امامیه می‌باشد، من جمله نحوه شستن دستها که امامیه عکس آن را جایز نمی‌دانند، همچنین تعداد دفعات شستن اعضاء و تقدم دست راست بر چپ که آنها این عمل را مستحب و امامیه واجب می‌دانند.

بنابراین:

۱. شستن دستها همراه مرافق نزد تمامی مذاهب اسلامی واجب است.

۲. مذاهب اربعه (شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی) قائل به شستن دستها از پایین (سر انگشتان) به بالا (تا مرفق) هستند.

۳. نزد امامیه، شستن دستها از آرنج تا سر انگشتان واجب است و عکس آن را موجب بطلان وضو می‌دانند، همچنین آنها معتقدند به اینکه تقدم دست راست بر دست چپ واجب است.

۴. تمامی مذاهب، شستن دو دست و دو آرنج را برای یک مرتبه واجب می‌دانند.

۵. تمامی مذاهب اسلامی به جز امامیه مقدم داشتن دست راست بر دست چپ (تیامن) را در شستن مستحب دانسته و



در کیفیت شستن گفته‌اند، شستن دستها به هر طریقی باشد واجب است. و البته نزد آنها تقدم دست راست و ابتدا شستن از انگشتان تا آرنج افضل است.

۴) کیفیت مسح سر

یکی دیگر از مسائلی که در وضو و مسائل اختلافی‌اش جلب نظر می‌کند، مقدار مسح سر است. شیعه فقط جلوی سر را مسح می‌کند، اما عده کثیری از اهل سنت همه سر یا بیشتر سر را مسح می‌کنند. در حقیقت این اختلاف نیز چندان بنیادی نیست و فقهای زیادی هم از اهل سنت، استیعاب (۲۰) سر را در مسح واجب نمی‌دانند.

الف) نظر مذهب امامیه

۱. مسح جلوی سر ولو با مقداری از یک انگشت، واجب می‌باشد اگرچه افضل آن است که به پهنای سه انگشت بسته از لحاظ عرفی باشد و نظر اکثر فقهاء بر همین است. (۲۱)
۲. عدم جواز استیناف (آب جدید) در مسح سر، بلکه با رطوبت اعضای وضو، مسح کشیده شود.
۳. مسح سر برای یکبار واجب و تکرار آن بدعت می‌باشد (۲۲)

۴. مسح بر روی عمامه جایز نمی‌باشد.

۵. مسح و شستن گوشها جایز نمی‌باشد. (۲۳)

ب) نظر مذهب شافعی

۱. شافعیه همانند سایر مذاهب خمسسه، مسح سر را از واجبات وضو می‌دانند و آنها مسح سر را چهارمین فرض از فرائض وضو شمرده‌اند.

۲. مقدار واجب را در مسح سر به اندازه‌ای می‌دانند که صدق مسح کند و کمترین مقدار در نزد آنها کافی است، آنها نه برای سر و نه برای دست حدی را تعیین نکرده‌اند. (۲۴)

۳. مسح بر عمامه را جایز نمی‌دانند مگر در صورت داشتن عذر. (۲۵)

۴. اگر شخصی آب را بر قسمتی از سر بپاشد یا سر را بشوید، کفایت از مسح می‌کند.

۵. مسح دو گوش نزد آنها سنت می‌باشد. (۲۶)

۶. تعداد دفعات واجب مسح نزد آنها یکبار می‌باشد. (۲۷)

۷. مسح تمام سر (استیعاب) مستحب است. (۲۸)

ج) نظر مذهب حنفی

۱. نزد حنفیان مسح یک چهارم سر واجب است (۲۹) و داخل کردن سر در آب یا ریختن آب بر روی سر کفایت می‌کند.

۲. استیناف (آب جدید) در مسح سر را واجب می‌دانند.

(۳۰)

۳. مسح بر عمامه را جایز نمی‌دانند مگر در صورت داشتن عذر. (۳۱)

۴. مسح گوشها سنت است چون جزء سر محسوب می‌شود البته نه با آب جدید. بر خلاف شافعی که مسح گوشها نزد آنها می‌بایست با آب جدید انجام گیرد. (۳۲)

۵. تعداد دفعات مسح سر برای یکبار واجب بوده و تکرار آن مکروه است و افضل این است که تکرار آن ترک گردد. (۳۳)

۶. شروع مسح از جلوی سر، سنت می‌باشد و بهتر آن است که مسح از جلوی سر انجام شود.

۷. استیعاب (مسح تمام سر) سنت است.

د) نظر مذهب مالکی

۱. مالکیه همانند سایر مذاهب خمسسه عمل مسح را واجب می‌دانند.

۲. استیعاب (مسح تمامی سر) نزد آنها واجب است. (۳۴)

۳. مستحب است گوشها همراه سر مسح شود چون جزء سر محسوب می‌شوند. البته نه با آب جدید بلکه با آب خود سر.

۴. استیناف (آب جدید) در مسح واجب نیست. همانند مذهب امامیه، البته استیناف (آب جدید) را افضل می‌دانند. بر خلاف شافعیه و حنفیه و حنابله که استیناف نزد آنها واجب است. (۳۵)

۵. مسح بر عمامه و خمار جایز نمی‌باشد مگر در صورت ضرورت و داشتن عذر.

۶. تعداد دفعات مسح سر نزد آنها برای یکبار واجب بوده و تکرار آن جایز نمی‌باشد.

ه) نظر مذهب حنبلی

۱. نزد حنابله مسح تمام سر همراه با گوشها واجب است.

۲. مسح سر برای یکبار واجب بوده و تکرار مسح جایز نمی‌باشد.

۳. مسح بر عمامه جایز می‌باشد.

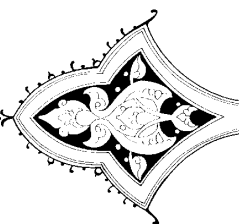
۴. استیناف (آب جدید) در مسح واجب است. (۳۶)

۵. شستن سر جایز است منتها در صورتی که دست بر سر کشیده شود.

۶. مستحب است مسح سر با هر دو دست باشد البته با یک دست نیز جایز بوده و کفایت می‌کند.

با توجه به مطالب بالا به این نتیجه کلی می‌رسیم:

امامیه گفته‌اند: مسح مقداری از جلوی سر واجب است و کمترین مقداری که به آن مسح اطلاق می‌شود کفایت می‌کند



۵) کیفیت مسح یا شستن پاها

مهم‌ترین مسئله فقهی مورد اختلاف در وضو بین مذهب امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت، مسئله مسح یا شستن پاهاست.

مذاهب اهل سنت معتقدند که پاها را باید تا کعبین (قوزک پاها) شست و امامیه معتقدند که آنچه به آن امر شده است مسح پاها تا کعبین است نه شستن آنها.

به طور کلی در مسئله وجوب مسح یا غسل پاها در وضو چهار نظر وجود دارد: (۳۸)

۱. وجوب غسل و شستن پاها (قول ائمه چهارگانه اهل سنت).

۲. وجوب مسح (قول امامیه، ابن عباس، عکرمه، ابی‌العالیه و انس).

۳. وجوب جمع بین غسل و مسح (قول داود بن علی و ناصر الحق از رهبران زیدیه). (۳۹)

۴. تخییر بین غسل و مسح (قول حسن بصری، محمد بن جریر طبری و ابوعلی جبائی). (۴۰)

البته این اختلاف، از جهت اختلاف در کلمه «أرجلكم» در آیه کریمه ۶ سوره مائده است که در این آیه و نحوه ترکیب کلمه «أرجلكم» اقوال مختلفی آمده و روایات مختلفی که در این رابطه از فریقین نقل شده، پدید آمده است.

اصولاً کلمه «أرجلكم» سه گونه قرائت شده است؛ به کسر

و شستن یا آب ریختن جایز نیست. همچنانکه واجب دانسته‌اند که مسح باید با رطوبت وضو باشد و هرگاه با آب جدید مسح شود، وضو را باطل خواهد کرد. در صورتی که سایر مذاهب گفته‌اند که مسح با آب جدید واجب است. به جز مذهب مالکیه که مسح با باقیمانده وضو را جایز می‌داند. حنابله مسح کردن بر عمامه را جایز دانسته‌اند به شرطی که مقداری از عمامه زیر چانه باشد و حنفیه و شافعیه و مالکیه گفته‌اند: جایز است بر عمامه با داشتن عذر نه بدون عذر و امامیه گفته‌اند: مسح بر عمامه در هیچ حال جایز نیست زیرا خداوند فرموده: «وَأَمْسُحُوا بِرُءُوسِكُمْ مَائِدَهُ، ۶» و عمامه را سر نمی‌نامند.

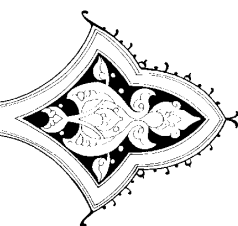
حنابله گفته‌اند: مسح تمام سر و دو گوش واجب است و نیز هرگاه سر شسته شود به شرطی که بر تمام آن دست کشیده شود، کفایت از مسح می‌کند.

مالکیه گفته‌اند: مسح تمام سر بدون دو گوش واجب است. حنفیه گفته‌اند: مسح یک چهارم سر واجب است و داخل کردن سر در آب یا ریختن آب بر روی سر کفایت می‌کند.

شافعیه گفته‌اند: مسح قسمتی از سر واجب است ولو کم باشد و شستن و یا پاشیدن آب به آن کفایت می‌کند. (۳۷)

ردیف	موضوع واجبات وضو	مذاهب			
		حنابله	شافعیه	مالکیه	حنفیه
۱	نیت	+	+	+	+
۲	شستن صورت (۳)	+	+	+	+
۳	شستن دستها با آرنج	+	+	+	+
۴	مسح سر (۵)	+	+	+	+
۵	شستن پاها و قوزکها	+	+	+	+
۶	موالات [= پی‌درپی انجام دادن عمل وضو]	+	-	+	-
۷	رعایت ترتیب در بین واجبات مذکور	+	+	+	+
۸	دلک [= کشیدن دست بر اعضای وضو، بر این مینا جاری کردن آب بر اعضای وضو کفایت نمی‌کند]	-	-	+	-

* علامت مثبت (+) در هر خانه از جدول به معنای آن است که مذهب مربوط به آن خانه، مسئله مربوط به بخش موضوع، مندرج در سمت راست جدول را پذیرفته و تأکید کرده است [علامت موافقت با مسائل طرح شده در بخش موضوعات]
 * علامت منفی (-) نیز در هر خانه از جدول، بیانگر عدم موافقت مذهب مربوط به آن خانه با مطالب و موضوعات سمت راست جدول است.



«لام»، به فتح «لام» و به رفع «لام». دو قرائت آن مشهور و یک قرائت آنکه «رفع» است، شاذ است.

۱. مذاهب اربعه، بر خلاف امامیه قائل به شستن پاها می‌باشند. اما امامیه در وضو قائل به وجوب مسح پاها از سر انگشتان تا برآمدگی روی پا است [با رطوبت وضو، نه آب جدید].

۲. امامیه، کعبین را برآمدگی روی پاها می‌دانند و سایر مذاهب دو قوزک طرفین پا در پایین ساق که معتقدند همراه با پا باید شسته شود. (۴۱)

۳. مذاهب اربعه تخلیل انگشتان پا را سنت می‌دانند.

۴. مذاهب اربعه بر خلاف مذهب امامیه مسح بر خفین را جایز می‌دانند.

۶) ترتیب

ترتیب یعنی اعمال وضو به ترتیب انجام شود و به معنایی دیگر به ترتیب شسته شود.

ابتدا شستن صورت، سپس دو دست، سپس مسح سر، بعد پاها و آن نزد امامیه (۴۲) و شافعیه (۴۳) و حنابله (۴۴) واجب و شرط در صحت وضو است.

حنفیه و مالکیه گفته‌اند: ترتیب واجب نیست و جایز می‌دانند که از دو پا شروع و به صورت ختم شود. (۴۵) و در واقع آنها رعایت ترتیب را در وضو سنت مؤکده می‌دانند.

۷) موالات

موالات: یعنی پی‌درپی انجام دادن عمل وضو. به معنای دیگر، واجبات وضو می‌بایست پی‌درپی و بدون فاصله انجام شود.

امامیه و حنابله پی‌درپی شستن اعضاء را واجب می‌دانند به طوری که وقتی از عضو فارغ شد، فوری به عضو بعدی پردازد و امامیه بر شروط موالات افزوده‌اند که اعضای سابق قبل از شروع اعضای بعدی خشک نشود و هرگاه خشک شد، وضو باطل است و واجب است که از ابتدا شروع کند. (۴۶)

حنفیه و شافعیه گفته‌اند: پی‌درپی (موالات) واجب نیست. ولی مکروه است که بدون عذر بین شستن اعضاء جدایی بیاندازند و با داشتن عذر، کراهت برطرف می‌شود. (۴۷)

مالکیه گفته‌اند: اگر وضو گیرنده متوجه باشد، موالات واجب است و چیزی که در خیال او بوده پیش نیاید مانند اینکه آبی که برای وضو مهیا کرده در همان اثنا ریخته شود، یا اگر صورت خود را شست و از دو دست غافل بود و یا

آبی که برای وضو بود به حسب اتفاق ادغام شود. اگرچه مدت زمانی طول بکشد، می‌تواند بنا را بر آنچه انجام داده بگذارد. (۴۸)

پس رعایت موالات نزد حنفیه و شافعیه واجب نبوده و نزد امامیه، مالکیه و حنابله واجب می‌باشد.

۱. حنفیه، نیت در وضو را سنت می‌دانند.

۲. در نزد حنابله «نیت» در وضو شرط است، به هر تقدیر بجا آوردن آن لازم می‌باشد. همچنین حنابله، تسمیه [گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] را در آغاز وضو واجب می‌دانند.

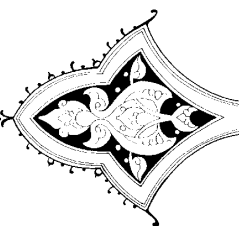
۳. حد صورت به لحاظ طول از رستنگاه موی سر تا چانه و به لحاظ عرض از بناگوش راست تا بناگوش چپ است، لکن شافعیه شستن زیر چانه را نیز واجب می‌دانند. مالکیه، حنابله و امامیه شستن بناگوش را واجب نمی‌دانند، بلکه نزد آنان شستن آنچه که میان انگشت شصت و میانه قرار می‌گیرد، واجب است. جز آنکه مالکیه و حنابله مسح بناگوش را واجب می‌دانند. ناگفته نماند که نزد حنابله،

مضمضه [= شستن داخل دهان] و استنشاق [= شستن داخل بینی] واجب است. ۴. نزد امامیه، شستن دست از آرنج تا سر انگشتان واجب است و عکس آن را باطل می‌دانند و همچنین در شستن دستها قائلند به اینکه تقدم دست راست بر دست چپ واجب است.

۵. اندازه واجب در سر در نزد حنفیه یک چهارم سر، در نزد مالکیه تمام سر، در نزد شافعیه، بخشی از هر مقدار سر، در نزد حنابله تمام سر با دو گوش و در نزد امامیه، بخشی از جلوی سر که مسمای مسح پیدا کند، است. مذاهب چهارگانه اهل سنت، مسح سر با آب جدید را واجب می‌دانند و در مقابل، امامیه قائلند به اینکه مسح سر، با رطوبت وضو [رطوبت باقیمانده از اعضای پیش] واجب است. البته مالکیه مسح سر و رطوبت باقیمانده از اعضای وضو را جایز دانسته لکن استیناف (آب جدید) را افضل می‌دانند.

۶. امامیه برخلاف مذاهب دیگر در وضو قائل به وجوب مسح پاها از سر انگشتان تا برآمدگی روی پا [با رطوبت وضو، نه آب جدید] هستند.

۷ و ۸. حنفیه و مالکیه، رعایت ترتیب را در وضو، سنت مؤکده می‌دانند.



۱. موسوی بجنوردی، کاظم، اسلام، پژوهشی تاریخی و فرهنگی، ص ۵۱.
۲. آل عمران، ۱۰۳.
۳. انبیاء، ۹۲.
۴. حجرات، ۱۰.
۵. حسینی، محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۵۵۳.
۶. السیوری الحلّی، جمال الدین مقداد بن عبدالله (الفاضل المقداد)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۱، ص ۷۳.
۷. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۳۳.
۸. نووی، یحیی بن شرف، المجموع، ج ۱، صص ۸ و ۹.
۹. مرغینانی، برهان الدین، الهدایه شرح بدایة المبتدئ، ج ۱، ص ۱۴.
۱۰. ذوالفقار طلب، مصطفی، فقه تطبیقی، ص ۵۵.
۱۱. ابن ادریس شافعی، محمد، الام، ج ۱، ص ۴۰؛ الشربینی، شمس الدین محمد بن محمد، معنی المحتاج الی معرفة الفاظ و المنهاج، ج ۱، ص ۱۷۲؛ نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین و عمدة المفتین، ج ۱، ص ۹۲.
۱۲. ابن مفلح، ابراهیم بن محمد، المبدع فی شرح المقنع، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۱، ص ۷۹.
۱۴. السیوری الحلّی، جمال الدین مقداد بن عبدالله (الفاضل المقداد)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۱، ص ۷۵.
۱۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۶۳.
۱۶. شیخ بهایی، محمد بن حسن، الاربعین، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.
۱۷. مرغینانی، برهان الدین، الهدایة شرح بدایة المبتدئ، ج ۱، ص ۱۸.
۱۸. غریانی، صادق عبدالرحمن، مدونة الفقه المالکی و ادلته، ج ۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.
۱۹. مرداوی، علی بن سلیمان، الانصاف، ج ۱، ص ۱۵۵.
۲۰. استیعاب مسح سر به معنای مسح تمام سر است.
۲۱. خمینی، روح الله، تحرير الوسيلة، مترجم سید باقر موسوی همدانی، ج ۱، صص ۴۶ و ۴۷.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۱، ص ۸۰.
۲۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۸۱.
۲۴. ابن رشد، محمد ابن احمد، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، ص ۲۶.
۲۵. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۳۶.
۲۶. سابق، سید، فقه السنه، ترجمه محمود ابراهیمی، ج ۱، ص ۹۰.
۲۷. ابن حجر الهیثمی، احمد بن محمد، تحفة المحتاج بشرح المنهاج، ج ۱، ص ۸۸؛ سابق، سید، فقه السنه، ترجمه محمود ابراهیمی، ج ۱، ص ۹۰.
۲۸. ابن یوسف الجوینی عبدالملک بن عبدالله، نهاية المطب فی درایة المذهب، ج ۱، صص ۷۹، ۸۰، ۸۲.
۲۹. نووی، شفیق الرحمن، فقه میسر، مترجم عبد الرؤوف (مخلص)، ص ۴۲.
۳۰. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، ج ۲، ص ۵۷۱.
۳۱. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۵.
۳۲. طهماز، عبدالحمید محمود، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۷۸؛ السمرقندی، ناصر الدین ابی القاسم حسنی، الفقه النافع، ج ۱، ص ۸۱.
۳۳. کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱، ص ۷۱.
۳۴. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، صص ۵۶ و ۵۷.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۱، ص ۸۰.
۳۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۵۴.
۳۷. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۳۶.
۳۸. جمعیه المعارف الإسلامیه الثقافیه، الفقه المقارن، ص ۷.
۳۹. ابن مرتضی، احمد بن یحیی، البحر الزخار، ج ۱، ص ۶۷.
۴۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی التفسیر القرآن (تفسیر طبری)، ج ۴، ص ۱۷۷.
۴۱. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ترجمه حمید مسجدرایی، ج ۱، صص ۵۹ و ۶۰.
۴۲. همان، ج ۱، ص ۶۱.
۴۳. سابق، سید، فقه السنه، مترجم محمود ابراهیمی، ج ۱، ص ۸۳.
۴۴. جزیری، عبد الرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۰.
۴۵. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۳۷.
۴۶. خمینی، روح الله، تحرير الوسيلة، مترجم سید باقر موسوی همدانی، ج ۱، صص ۵۷ و ۵۸؛ جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.
۴۷. طهماز، عبدالحمید محمود، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۷۹.
۴۸. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، صص ۳۷ و ۳۸.

* از آقایان محمود اسفندیاری و سعید غیائی که در تلیخیص این مقاله کمال همکاری را نمودند قدردانی به عمل می آوریم.

١. قرآن كريم.
٢. ابن ادريس شافعي، محمد، الام، بيروت، دارالمعرفة، ١٣٩٣ق.
٣. ابن حجر الهيتمي، شهاب الدين ابي عباس احمد بن محمد بن علي، تحفة المحتاج بشرح المنهاج، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٧ق.
٤. ابن رشد، محمد بن احمد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، قاهره، المكتبة الازهرية التراث، ١٤١١ق.
٥. ابن عربي، محمد بن عبدالله، احكام القرآن، بيروت، دارالجيل، ١٣٨٨ق.
٦. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الكافي في فقه الامام احمد بن حنبل، بيروت، دارالفكر، ١٤١٩ق.
٧. ابن مرتضى، احمد بن يحيى، البحر الزخار، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٢ق.
٨. ابن مفلح، ابراهيم بن محمد، المبدع في شرح المقنع، بيروت، مكتب الاسلامي، ١٤٢١ق.
٩. ابن يوسف الجويني، عبدالملك بن عبدالله، نهاية المطالب في دراية المذهب، بي جا، دارالمنهاج، بي تا.
١٠. السمرقندي، ناصر الدين، ابي القاسم حسني، الفقه النافع، رياض، مكتبة العبيكان، ١٤٢٠ق.
١١. جزيري، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، ١٤٠٦ق.
١٢. جمعية المعارف الاسلاميه الثقافيه، الفقه المقارن، بيروت، جمعية المعارف الاسلاميه الثقافيه، ١٤٢٨ق.
١٣. حسيني، سيد محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهي عربي به فارسي همراه با معادل انگليسي، تهران، سروش، ١٣٨٥ش.
١٤. خميني، روح الله، تحرير الوسيله، ترجمه سيد محمدباقر موسوي همداني، قم، دارالعلم، ١٣٨٦ش.
١٥. ذوالفقار طلب، مصطفى، فقه تطبيقي با شيوه نوين، تهران، نشر احسان، ١٣٧٩ش.
١٦. سابق، سيد، فقه السنه، ترجمه محمود ابراهيمي، سقز، انتشارات سقز، ١٣٧٣ش.
١٧. السيوري الحلبي، جمال الدين مقداد بن عبدالله (الفاضل المقداد)، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي، ١٤٠٤ق.
١٨. الشريبي، شمس الدين محمد بن محمد، مغنى المحتاج الى معرفة الفاظ المنهاج، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٣ق.
١٩. شيخ بهايي، محمد بن حسين، الاربعين، ترجمه عبدالرحيم عقيقي بخشايشي، قم، دفتر نشر نويد اسلام، ١٣٧٣ش.
٢٠. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك (تاريخ طبري)، بيروت، دارالتراث العربي، ١٤٠٢ق.
٢١. طبري، محمد بن جرير، جامع البيان في التفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٩ق.
٢٢. طوسي، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دارالكتب العلمية، بي تا.
٢٣. طهماز، عبدالحميد محمود، الفقه الحنفي في ثوبه الجديد، بيروت، دارالساميه، ١٤١٩ق.
٢٤. عاملي، زين الدين علي (شهيد ثاني)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ترجمه حميد مسجدسرايي، قم، انتشارات حقوق اسلامي، ١٣٨٢ش.
٢٥. عاملي، زين الدين علي (شهيد ثاني)، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٣٨٤ش.
٢٦. غرياني، صادق عبدالرحمن، مدونة الفقه المالكي و ادلته، بيروت، مؤسسة الريان، ١٤٢٦ق.
٢٧. كاساني، ابوبكر مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت، دارالكتب العربي، ١٤٠٢ق.
٢٨. مرداوي، علي بن سليمان، الانصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الامام احمد بن حنبل، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٢٩. مرغيناني، برهان الدين، الهداية شرح بداية المبتدئ، قاهره، دارالسلام، ١٤٢٠ق.
٣٠. مغنيه، محمدجواد، الفقه على المذاهب الخمسه، تهران، مؤسسة الصادق (ع)، ١٣٧٤ق.
٣١. موسوي بجنوردي، كاظم، اسلام، پژوهشي تاريخي و فرهنگي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٣٨٣ش.
٣٢. نجفي، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، ١٤٠١ق.
٣٣. ندوي، شفيق الرحمن، فقه مبسّر، ترجمه عبدالرؤف (مخلص)، تربت جام، احمد جام، ١٣٧٨ق.
٣٤. نووي، يحيى بن شرف، المجموع، جده، مكتبة الارشاد، ١٣٧٤ق.
٣٥. نووي، يحيى بن شرف، روضة الطالبين و عمدة المفتين، بيروت، دارالكتب العلمية، بي تا.

